

تحلیل روایی سبک‌انگاری نماز و پیامدهای آن

□ سید محمدتقی موسوی *

چکیده

نماز، به عنوان یکی از ارکان اساسی دین اسلام، جایگاهی ویژه در آموزه‌های فقهی و روایی دارد. بی‌توجهی به نماز و سبک شمردن آن، نه تنها از منظر اخلاقی و عبادی مورد نکوهش قرار گرفته است، بلکه در آموزه‌های دینی، پیامدهای قابل توجهی برای فرد به دنبال دارد. آموزه‌های قرآنی و روایی بیان می‌کنند که کسانی که نماز را سبک می‌شمارند، مشمول بی‌توجهی خداوند نسبت به اعمال و خواسته‌های خود خواهند بود و این سبک‌انگاری موجب بروز زیان‌ها و گرفتاری‌های متعدد در زندگی دنیوی آنان می‌گردد. اگرچه ممکن است فرد تارک یا سبک‌شمارنده نماز تأثیرات اعمال خود را درک نکند، آموزه‌های دینی تأکید دارند که برکت عمر و روزی چنین افرادی کاهش می‌یابد. مهم‌ترین دلیل بر این مدعا، احادیث و روایاتی است که تارک نماز را کافر می‌دانند، اما برای کسی که نماز را سبک می‌شمارد، مجازات‌ها و عقوبت‌های مشخصی ذکر شده است. هرچند برخی روایات به کافر بودن سبک‌شمارنده نماز اشاره کرده‌اند، با بررسی اسناد و دلالت‌ها و جمع‌بندی روایات، می‌توان نتیجه گرفت که سبک شمردن نماز، حکم کفر را به صورت مطلق به همراه ندارد، بلکه مستلزم عقوبت‌های خاص و تنبیه الهی است. این پژوهش با رویکرد تحلیلی و استنباطی، ضمن بررسی منابع فقهی و روایی، تفسیری جامع و دقیق از احکام مرتبط با سبک‌شمردن نماز ارائه می‌کند.

واژگان کلیدی: تحلیل روایی، سبک‌انگاری، نماز، استخفاف.

مقدمه

نماز، برجسته‌ترین و والاترین عمل دینی است؛ چنان‌که اگر مورد قبول درگاه خداوند عالم واقع گردد، سایر عبادات نیز پذیرفته خواهند شد، و اگر نماز پذیرفته نشود، دیگر اعمال نیز ارزش و مقبولیت نخواهند داشت. همان‌گونه که شست‌وشوی روزانه بدن از پلیدی‌ها می‌کاهد، نمازهای پنج‌گانه نیز جان آدمی را از آلودگی گناهان پاک می‌سازد. سزاوار است که هر مؤمن، نماز خویش را در اول وقت به‌جا آورد، زیرا کسی که نماز را سبک بشمارد، گویا اصلاً نماز نخوانده است. پیامبر اکرم ﷺ فرموده‌اند: «کسی که به نماز اهمیت ندهد و آن را سبک بشمارد، سزاوار عذاب آخرت است.»

شایسته است نمازگزار از کارهایی که ثواب نماز را نقصان می‌دهد، اجتناب کند؛ مانند اقامه نماز در حالت خواب‌آلودگی یا نگاه به آسمان در حین نماز. در مقابل، انجام اعمالی که ثواب نماز را می‌افزاید، مستحب است؛ مانند پوشیدن لباس پاکیزه، خود را خوشبو کردن، مسواک زدن و آراستن موها.

سبک شمردن نماز و استخفاف آن، نشانه بی‌توجهی به مقام رفیع نماز است؛ تا آنجا که ممکن است نماز قضا شود یا واجبات آن به طور ناقص به‌جا آورده گردد. در تعیین مصادیق سبک شمردن نماز، میان نویسندگان اختلاف نظر وجود دارد. برخی نمونه‌های متعددی از بی‌مبالاتی در آداب نماز را از مصادیق آن می‌دانند؛ همچون تأخیر بدون عذر از اول وقت، حواس‌پرتی در نماز و اقامه نماز بدون خضوع و خشوع. در مقابل، عده‌ای بر این باورند که پیامدهای تحقیر نماز، همانند تهدیدها و عقوبت‌های شدید در احادیث، ارتباطی با ترک مستحبات ندارد.

فقیهان شیعه، سبک شمردن نماز و هر حکم واجبی را حرام می‌دانند و احادیث بسیاری مؤمنان را از آن نهی کرده است. بنا بر روایتی، امام صادق ﷺ در هنگام احتضار، بستگان خود را فراخواند و فرمود: «شفاعت ما به کسی که نماز را سبک بشمارد، نخواهد رسید.» پیامدهای سبک شمردن نماز در روایات متعدد ذکر شده است؛ از جمله: عدم قبول نماز، بی‌برکت شدن عمر و مال، مرگ با خواری، تشنگی و گرسنگی، و فشار قبر. در برخی احادیث نیز مستخفّ الصلاة حتی کافر محسوب شده است.

این پژوهش به بررسی فقهی و روایی استخفاف نماز پرداخته و دیدگاه فقها را در این زمینه واکاوی کرده است. در بررسی فقهی، از تقریرات درس «فقه الصلوة» استاد معظم حضرت آیت‌الله حسینی بوشهری نیز بهره‌گیری شده است.

۱. مفهوم‌شناسی صلوة

صلوة (به فتح صاد) در لغت به معنای دعا، توجّه و انعطاف است (طبرسی، ۱۳۹۵/ج ۵/ص ۱۱۶).

نگاه لغوی

بیشتر لغت‌شناسان صلوة را به معنی دعا، تبریک و تمجید دانسته‌اند (راغب اصفهانی، ص ۴۹۰). مثال: «صلّیت علیه» = «بر او دعا کردم و او را تزکیه نمودم» (ابن اثیر، ج ۳، ص ۵۰). در قرآن و احادیث پیامبر ﷺ آمده است که هنگام دعوت به طعام، پاسخ دادن و دعا کردن برای دعوت‌کننده نوعی صلوة است (قرشی بنایی، ج ۴، ص ۱۴۶-۱۵۰).

۲. صلوة در اصطلاح شرعی

صلوة در اصطلاح به نماز واجب گفته می‌شود که از ارکان دین است و ترک آن در ردیف کفر قرار دارد (راغب اصفهانی، ص ۴۹۰). نماز در همه‌ی شریعت‌ها وجود داشته است، اگرچه شکل‌ها و اقسام آن متفاوت بوده‌اند. در معابد یهود نیز عبادت را صلوات می‌گفتند (طبرسی، ج ۵، ص ۱۱۶). به طور کلی، صلوة در اصطلاح به توجّه و انعطاف انسان نیز اطلاق می‌شود (طریحی، مجمع البحرین، ج ۴، ص ۴۸).

۳. استخفاف (سبک‌شمردن) نماز

تعریف واژه‌ای

فخرالدین طریحی: استخفاف نماز = اهانت و تحقیر نماز از طریق تکذیب و انکار جایگاه آن (طریحی، مجمع البحرین، ج ۱، ص ۲۶۶). برخی پژوهشگران: منظور وی انکار اصل مشروعیت

نماز نیست، زیرا اصل نماز از ضروریات دین است و تکذیب آن موجب کفر می شود (طیب حسینی و جولایی، ص ۶۲).

دیدگاه فقهاء در مورد سبک شمردن نماز

میرزا جواد تبریزی: سبک شمردن نماز = قضا شدن آن به دلیل سهل انگاری یا تأخیر در وقت (تبریزی، ج ۱۰، ص ۴۲۹).

محمدتقی شهیدی پور و دیگر محققین: سبک شمردن نماز = نخواندن بدون عذر، بی مبالاتی یا ترک واجبات (پایگاه اطلاع رسانی محمدتقی شهیدی).

آیت الله خویی: حاضر نشدن در نماز جماعت به دلیل ساده انگاری و بی اهمیت دانستن آن = سبک شمردن نماز؛ اما اگر ترک به دلیل مستحب بودن باشد، سبک شماری نیست (خویی، ج ۳، ص ۳۳۲).

مرتضی مطهری: تحقیر و بی اعتنایی به نماز فرد را از جایگاه نمازگزاران در روز قیامت خارج می کند (مطهری، ص ۱۷۰-۱۷۱).

سبک شمردن نماز» به عنوان رفتاری بسیار ناپسند معرفی شده

در روایات اهل بیت علیهم السلام، «سبک شمردن نماز» به عنوان رفتاری بسیار ناپسند معرفی شده و تصریح شده است که چنین افرادی از شفاعت معصومان محروم خواهند بود (الکافی، ج ۳، ص ۲۷۰). مقصود از سبک شمردن نماز، کم اهمیت دانستن این فریضه الهی و سستی در انجام آن با وجود توانایی است.

بر اساس آیات و روایات، سبک شمردن نماز دارای مصادیق متعددی است؛ از جمله به تأخیر انداختن نماز بدون عذر که طبق تفسیر امام صادق علیه السلام از آیه «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ...» مصداق بی اعتنایی به نماز شمرده شده است (وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۱۲۴). شتاب زدگی و ناقص خواندن نماز نیز از مصادیق مهم آن است؛ به گونه ای که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین فردی را «دزدترین مردم» نامیده اند (عدة الداعی، ص ۴۱؛ بحار الأنوار، ج ۸۱، ص ۲۵۳). همچنین ریاکاری در نماز، یعنی دقت در نماز در حضور مردم و بی توجهی در خلوت، نوعی بی احترامی به نماز محسوب شده است (مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۶).

از دیگر نشانه‌های سبک شمردن نماز می‌توان به کسالت و بی‌حالی در هنگام نماز اشاره کرد که قرآن آن را از ویژگی‌های منافقان می‌داند (نساء، ۱۴۲)، و نیز نبود حضور قلب و توجه که سبب می‌شود تنها بخشی از نماز مورد قبول واقع شود (بحارالأنوار، ج ۸۴، ص ۲۰۱). حتی آماده نبودن برای نماز، مانند تأخیر در وضو، در مراتب پایین‌تر سبک شمردن نماز قرار گرفته است (بحارالأنوار، ج ۲، ص ۱۵۴).

در روایات، پیامدهای دنیوی و اخروی سنگینی برای سبک شمردن نماز بیان شده است؛ از جمله محرومیت از برکت عمر و رزق، ذلت هنگام مرگ، عذاب قبر و سختی حساب در قیامت (بحارالأنوار، ج ۸۰، ص ۲۱). همچنین چنین افرادی از شفاعت پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام محروم بوده (بحارالأنوار، ج ۴۷، ص ۸)، با طاغوتیان محشور می‌شوند (عیون أخبار الرضا، ج ۲، ص ۳۱) و زمینه گرفتار شدن به گناهان کبیره برای آنان فراهم می‌گردد (أمالی صدوق، ص ۴۸۴).

بی‌اعتنایی به نماز و مصادیق و پیامدهای آن

این نوشتار به بررسی استخفاف (سبک شمردن) و بی‌اعتنایی به نماز و مصادیق و پیامدهای آن بر پایه آیات قرآن، روایات معصومان علیهم‌السلام و دیدگاه عالمان دینی می‌پردازد. قرآن کریم با تعبیر «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» نمازگزاران غافل را نکوهش می‌کند (سوره ماعون، آیات ۴-۵). امام صادق علیه‌السلام در تفسیر این آیه، بی‌اعتنایی به نماز را تأخیر نماز از اول وقت بدون عذر معرفی می‌کند (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۸۰، ص ۶).

از دیگر مصادیق استخفاف به نماز، عدم رعایت آداب نماز در خلوت است؛ پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: کسی که در برابر مردم نماز را نیکو و در خلوت با بی‌دقتی می‌خواند، به نماز بی‌احترامی کرده است (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۲۶). همچنین به تأخیر انداختن وضو تا وقت اذان و آماده نکردن مقدمات نماز نشانه کم‌اهمیت شمردن این عبادت دانسته شده است (مجلسی، بحارالأنوار، ج ۸۰، ص ۶). عجله و شتاب در نماز از نشانه‌های مهم استخفاف به آن معرفی شده است. استاد شهید مرتضی مطهری با تحلیل روان‌شناختی، عادت‌زدگی در عبادت را موجب کاهش توجه و نیت دانسته و تأکید اسلام بر نیت را راهی برای حفظ روح عبادت

معرفی می‌کند (مطهری، تعلیم و تربیت در اسلام، ص ۱۹۷). در روایتی، امیرالمؤمنین علیه السلام نماز شتاب‌زده را به نوک زدن کلاغ تشبیه کرده و آن را نشانه دزدیدن از نماز دانسته است (مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۱، ص ۲۴۲).

در بخش پیامدها، روایات تصریح دارند که سبک شمردن نماز موجب قطع پیوند با اهل بیت علیهم السلام و محرومیت از شفاعت آنان می‌شود؛ امیرالمؤمنین علیه السلام می‌فرماید: «کسی که نماز را ضایع کند از من نیست» (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۳، ص ۹۸) و امام صادق علیه السلام نیز شفاعت اهل بیت را برای سبک‌شماران نماز نفی می‌کند (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۹، ص ۲۳۶). پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نیز فرموده‌اند: کسی که نماز را سبک بشمارد، در قیامت به حوض کوثر وارد نخواهد شد (مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۹).

همچنین غضب الهی از آثار تأخیر بی‌دلیل نماز دانسته شده است (مجلسی، بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۴) و عجله در نماز به عنوان نشانه بی‌اعتمادی به خدا در برآورده شدن حاجات معرفی شده است (کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۹). از دیگر پیامدها می‌توان به عدم اجابت دعا (مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۲۱)، کاهش برکت عمر و روزی (همان، ص ۲۱)، ابتلا به فقر (مجلسی، بحارالانوار، ج ۷۳، ص ۳۱۵)، سختی قبر و قیامت (مجلسی، بحارالانوار، ج ۸۰، ص ۲۲) و عدم قبولی نماز اشاره کرد (کلینی، الکافی، ج ۳، ص ۲۶۹).

قرآن کریم نیز سرنوشت تارکان و سهل‌انگاران نماز را سخت معرفی کرده و در مقابل، رستگاری را ویژه مؤمنانی می‌داند که نماز را با خشوع اقامه می‌کنند (سوره مؤمنون، آیه ۱). جمع‌بندی: نماز معیار سنجش ایمان و رابطه انسان با خداست و هرگونه سهل‌انگاری در آن، بنا بر قرآن و روایات، پیامدهای سنگین دنیوی و اخروی در پی دارد.

سبک شمردن نماز در نگاه امام خمینی علیه السلام

به باور امام خمینی علیه السلام، در متون دینی بر سبک شمردن نماز، تزییع نکردن حق آن و عدم استخفاف و تهاون نسبت به آن تأکید شده و نسبت به عواقب سوء و آثار و تبعات منفی سبک شمردن نماز هشدار داده شده است (خمینی، سر الصلاة، ص ۲۵-۲۶). ایشان معتقدند که اهمال

و سستی در نماز، که نور چشم پیامبر ﷺ و ودیعه خداوند است، سبب خروج از ولایت ائمه علیهم‌السلام و محروم ماندن از شفاعت آنان می‌گردد. از این رو، امام خمینی بر اهمیت نماز و پرهیز از سبک شمردن آن تأکید می‌کند و می‌فرماید نماز باید با عشق و اقبال قلبی به جا آورده شود و از اقامه آن با بی‌توجهی و غفلت پرهیز شود (خمینی، شرح چهل حدیث، ص ۴۲۷-۴۲۸).

به اعتقاد ایشان، کسی که نماز را با تکلف بخواند و قیام به عبادت معبود را از امور زائد بداند و آن را به صورت ناقص به جا آورد، نماز را سبک شمرده است. همچنین سبک شمردن نماز سبب از دست دادن خشوع و حضور قلب می‌شود و نماز بدون خشوع فاقد ارزش است (خمینی، دانشنامه امام خمینی، ج ۱۰، ص ۹۲). امام خمینی با استناد به آیات «فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ، الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» (ماعون/۴: ۱۰۷-۵) و «عنكبوت: ۴۵» علت سبک شمردن نماز و سهل‌انگاری در آن را، اهمیت ندادن به عبادات و مناسک الهی می‌داند.

آیات دلالت‌کننده بر ضرورت نماز

الف) اولین آیه: «أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا» (إسراء: ۷۸). این آیه نماز را از زوال خورشید (ظهر) تا نیمه شب برپا داشتن و نیز نماز صبح (قرآن فجر) را واجب می‌داند، زیرا قرآن فجر مشهود است.

ب) دومین آیه: «وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفَى النَّهَارِ وَزُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرَى لِلذَّاكِرِينَ» (هود: ۱۱۴). در این آیه تأکید شده است نماز در دو طرف روز و آغاز شب برپا شود؛ زیرا حسنات، آثار سیئات را از بین می‌برند و این تذکری است برای اهل ذکر.

ج) سومین آیه: «وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (نور: ۵۶). خداوند در این آیه نماز، زکات و اطاعت رسول را از شروط رحمت الهی بیان کرده است.

د) چهارمین آیه: «اتْلُ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ» (عنكبوت: ۴۵). این آیه بر اهمیت نماز به عنوان عامل بازدارنده از زشتی‌ها و گناهان و برتری یاد خداوند تأکید دارد.

روایات متواتره و وجوب نماز

برخی از فقها بر این باورند که روایات متواتره نیز بر ضرورت نماز دلالت دارند. صاحب «جواهر الکلام» در باب وجوب نمازهای یومیه فرموده است: «و لا خلاف فی وجوبها فیهما، بل هی من ضروریات الدین المستغنیة عن الاستدلال بالکتاب المبین و إجماع المسلمین و المتواتر من سنة سید المرسلین ﷺ و الأئمة المهديین (علیهم السلام)» (اصفهانی، جواهر الکلام، ج ۷، ص ۱۱). بدین معنا که وجوب نماز روز و شب، از ضروریات دین است و نیازی به استدلال به کتاب و سنت متواتر نیست.

بنابراین، کسی که نماز را منکر شود، در واقع ضروری دین را منکر شده است و این جبهه‌گیری در مقابل پیامبر اکرم ﷺ محسوب می‌شود. انکار نماز به انکار نبوت منجر شده و موجب خروج از اسلام می‌گردد. البته اگر انکار نماز از باب شبهه باشد و به انکار رسالت منجر نشود، نمی‌توان به شخص نسبت کفر داد. اما نسبت به اصل وجوب نمازهای یومیه، در جامعه مسلمین جایی برای شبهه باقی نمی‌ماند و انکار آن مستلزم انکار رسالت و کفر است (درس خارج فقه حضرت آیت‌الله حسینی بوشهری، ۱۴۰۳/۶/۲۰؛ نراقی، مستند الشیعة، ج ۷، ص ۲۶۵؛ بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۶، ص ۱۵).

حکم تارک الصلاة از دیدگاه برخی فقهاء

مرحوم نراقی و صاحب حدائق، شیخ یوسف بحرانی، به روایاتی درباره تارک الصلاة پرداخته‌اند (نراقی، مستند الشیعة، ج ۷، ص ۲۶۵؛ بحرانی، الحدائق الناضرة، ج ۶، ص ۱۵). از مجموع کلمات بزرگان استفاده می‌شود که گاهی تارک الصلاة، ترک نماز را حلال می‌شمارد؛ یعنی علاوه بر ترک نماز، قائل است که نماز نخواندن جایز است. در این صورت، چون منشأ ترک نماز او حلال دانستن آن است، این امر به انکار ضروری دین منجر می‌شود و چنین فردی از دین خارج است.

از جمله روایاتی که درباره حکم تارک الصلاة وارد شده، روایت زیر است:

صحیحه عبدالله بن سنان:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانَ ... «مَنْ أَتَكَبَّ كَبِيرَةً مِنَ الْكَبَائِرِ فَزَعَمَ أَنَّهَا حَلَالٌ أَخْرَجَهُ ذَلِكَ

مِنَ الْإِسْلَامِ ...» (وسائل الشیعة، ج ۱، باب مقدمة العبادات، باب ۲، ص ۳۳، ح ۱۰).

عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام پرسید: اگر کسی گناه کبیره انجام دهد و بمیرد، آیا این کار او را از اسلام خارج می‌کند؟ امام علیه السلام فرمود: اگر آن گناه کبیره را حلال بداند، از اسلام خارج می‌شود؛ اما اگر به گناه بودن آن اعتراف داشته باشد و همچنان بر آن بمیرد، از ایمان خارج می‌شود ولی از اسلام خارج نمی‌شود.

بررسی حکم کسانی که نماز را سبک می‌شمارند

گاهی شخص وجوب نماز را منکر نیست و اهمیت آن را قبول دارد، اما از روی سستی و کاهلی نماز را ترک می‌کند؛ مانند: تبلی برای نماز صبح، مشغله‌های دنیوی، یاد نگرفتن نماز و بهانه آوردن برای آن، یا ترک گاه‌به‌گاه نماز.

سؤال این است که آیا چنین فردی به تارک الصلاة منکر یا مُسْتَحِفِّفٌ ملحق می‌شود یا نه؟ برای پاسخ باید روایات بررسی شود.

بررسی ادله درباره کسانی که نماز را سبک می‌شمارند

روایت اول

عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ ... «تَارِكُ الصَّلَاةِ كَافِرٌ يَعْنِي مَنْ غَيْرِ عِلَّةٍ» (جواهر الکلام، ج ۷، ص ۱۱؛ همچنین ر.ک: درس خارج فقه آیت‌الله حسینی بوشهری، ۱۴۰۳/۶/۲۰ حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱۵، کتاب الجهاد، ابواب جهاد النفس و ما یناسبه، باب ۴۶، ص ۳۲۱، ح ۲).

راوی می‌گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گناهان کبیره پرسیدم. امام علیه السلام فرمودند: کبائر هفت چیز است: کفر، قتل نفس، عقوق والدین، ربا پس از آشکار شدن، خوردن مال یتیم، فرار از جنگ، و تعزّب بعد از هجرت. عرض کردم: آیا خوردن یک درهم از مال یتیم بزرگ‌تر است یا ترک نماز؟ فرمودند: ترک نماز. پرسیدم: پس چرا ترک نماز در شمار آن هفت مورد نبود؟ فرمودند: «اولین چیزی که به تو گفتم چه بود؟» گفتم: کفر. فرمودند: «تارک الصلاة که بدون علت نماز را ترک کند، کافر است.»

این روایت از نظر سند و دلالت، مشکل ندارد.

سند روایت مذکور مشکلی ندارد و تمام راویانی که در این سند قرار گرفته‌اند، از ثقات امامیه هستند؛ بنابراین این روایت، صحیح است و از نظر سند، اشکالی بر آن وارد نیست. دلالت روایت نیز تمام است؛ زیرا این روایت به طور مطلق فرموده است که تارک صلاة کافر است؛ اعم از اینکه ترک نماز را حلال بدانند، یا از باب استخفاف نسبت به تشریح نماز آن را ترک کند، یا اینکه از روی تنبلی، کاهلی، مشغله‌های دنیوی و مانند آن نماز را ترک کرده باشد. بنابراین طبق این روایت، کسی که نماز را از روی تنبلی، کاهلی، مشغولیت‌های دنیوی و مانند آن ترک کند نیز حکم کافر دارد.

بررسی روایت دوم از نظر سند و دلالت

سند این روایت نیز مشکلی ندارد؛ زیرا تمامی افرادی که در سند آن واقع شده‌اند، از ثقات امامیه هستند. لذا این روایت صحیح است و از حیث سند، اشکالی ندارد. دلالت این روایت نیز تمام است؛ زیرا در این روایت، فاصله و مرز میان مسلمان و کافر، ترک عمدی نماز یا سبک شمردن نماز دانسته شده است:

حَدَّثَنِي مُحَمَّدُ بْنُ مُوسَى بْنِ الْمُتَوَكِّلِ، قَالَ: حَدَّثَنِي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرِ الْحَمِيرِيِّ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ أَبِي الْخَطَّابِ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ بُرَيْدِ بْنِ مُعَاوِيَةَ الْعَجَلِيِّ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: مَا بَيْنَ الْمُسْلِمِ وَبَيْنَ الْكَافِرِ إِلَّا أَنْ يَتْرَكَ الصَّلَاةَ الْفَرِيضَةَ مُتَعَمِّدًا أَوْ يَتَهَاوَنَ بِهَا فَلَا يَصْلِيهَا.» (صدوق، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، ص ۲۳۰؛ حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، ج ۴، کتاب الصلاة، ابواب اعداد الفرائض و نوافلها، باب ۱۱، ص ۴۲، ح ۶.)

امام باقر عليه السلام از قول پیامبر اکرم ﷺ نقل فرموده است:

میان مسلمان و کافر فاصله‌ای نیست مگر اینکه شخص، نماز واجب را از روی عمد ترک کند یا نسبت به آن سستی ورزد و نخواند.

روایت سوم

سند این روایت نیز مشکلی ندارد و روایت، صحیح است. دلالت آن نیز صحیح است.

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ، بِإِسْنَادِهِ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ، عَنِ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنِ ابْنِ أُذَيْنَةَ، عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عليه السلام فِي حَدِيثِ عَدَدِ التَّوَابِلِ؛ قَالَ: «إِنَّمَا هَذَا كُلُّهُ

تَطَوُّعٌ وَلَيْسَ بِمَمْفُوزٍ، إِنَّ تَارِكَ الْفَرِيضَةِ كَافِرٌ وَإِنَّ تَارِكَ هَذَا لَيْسَ بِكَافِرٍ. (حر

عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، ج ۴، کتاب الصلاة، ابواب اعداد الفرائض و نوافلها، باب ۱۱، ص ۴۱، ح ۱).

امام باقر علیه السلام فرموده‌اند: همه نوافل مستحب‌اند و واجب نیستند؛ همانا تارک نماز واجب، کافر است و تارک نوافل، کافر نیست.

این روایت نیز اطلاق دارد و مطلقاً می‌گوید هر کس نماز واجب را ترک کند، کافر است؛ اعم از اینکه ترک نماز را حلال بدانند، یا از باب استخفاف آن را ترک کند، یا اینکه از روی تبلی و اشتغال به امور دنیوی آن را عمداً ترک نماید.

نتیجه استفاده از روایات

از روایات مذکور استفاده می‌شود که تارک الصلاة اگر نمازش را از روی تبلی، کاهلی، مشغولیت‌های دنیوی و مانند آن و از روی عمد ترک کند، کافر است.

توجیه اطلاق روایات

سؤال: آیا می‌توان به اطلاق روایات مذکور تمسک کرد و مطلقاً حکم به کفر هر کسی که نماز نمی‌خواند داد؟

پاسخ: ارتکازی که میان متشرعه وجود دارد این است که با کسی که نماز را به خاطر تبلی، سستی یا مشغله‌های دنیوی ترک کرده است، معامله کافر و نجس نمی‌کنند.

به همین دلیل بزرگان و فقها - چون متشرعه چنین شخصی را کافر و نجس نمی‌دانند - حاضر نشده‌اند بر اساس این روایات حکم به کفر چنین افرادی کنند.

از این رو در صدد توجیه این روایات و حمل آنها بر معنایی برآمده‌اند که مستلزم کفر تارک نماز از روی تبلی نباشد. تفصیل این بحث در مستند الشیعة نراقی، حدائق الناضرة بحرانی و جواهر الکلام نجفی آمده است. (نراقی، احمدبن محمد مهدی، مستند الشیعة فی احکام الشریعة، ج ۷، ص ۲۶۶. بحرانی، یوسف بن احمد، الحدائق الناضرة فی احکام العترة الطاهرة، ج ۶، ص ۱۵. نجفی، محمد حسن بن باقر، جواهر الکلام (ط. القديمة)، ج ۱۳، ص ۱۳۱ و ۱۳۲).

وجوه محتمل در رابطه با توجیه روایات

۱. مبالغه در شأن و منزلت نماز

وجه اول که برای توجیه روایات مذکور ذکر شده و بر اساس آن حکم می‌شود که شخص تارک الصلاة که نمازش را به خاطر تنبلی یا امثال آن ترک کرده، کافر نیست، این است که گفته می‌شود علت به کار رفتن کلمه‌ی «کُفر» به صورت مطلق در روایات، عظمت و جایگاه مهم نماز است. به همین دلیل، عباراتی مانند «ان تارک الصلاة کافر» که در روایات آمده است، بر مبالغه در شأن و منزلت نماز حمل می‌شود تا مردم اهمیت جایگاه نماز را درک کنند و نسبت به آن بی‌مبالا نباشند و حکم واقعی شارع این نیست که هر کسی که از روی تنبلی یا امثال آن نمازش را ترک کند، کافر باشد (حر عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعة، ج ۱، ابواب مقدمه العبادات، باب ۲، ص ۳۳، ح ۱۰).

۲. ترک صلاة در مرتبه سوم

وجه دوم این است که ترک صلاة از گناهان کبیره است و همان‌گونه که در کتاب حدود آمده، کسی که یکی از کبائر را مرتکب شود، در مرحله اول و دوم تعزیر می‌شود و اگر برای بار سوم مرتکب شود، حکمش قتل است. بنابراین، منظور از «ان تارک الصلاة کافر» در روایت، ترک صلاة در مرتبه سوم است. (همان، ج ۴، کتاب الصلاة، ابواب اعداد الفرائض و نوافلها، باب ۱۱، ص ۴۱، ح ۲).

۳. روایات مقیده در مقابل روایات مطلقه

وجه سوم، که وجه جمع مختار است، این است که بهترین وجه برای توجیه روایات مطلقه کفر تارک الصلاة این است که در مقابل این روایات مطلقه، روایات مقیده‌ای وجود دارند که آن‌ها را تقیید می‌کنند. به این نحو، روایات صحیح‌ه عبدالله بن سنان (که تارک الصلاة را به خاطر حلال دانستن ترک نماز کافر می‌داند) و موثقه مسعدة بن صدقه (که تارک الصلاة را به خاطر استخفاف به تشریح نماز کافر می‌داند)، روایات مطلقه را تقیید می‌کنند (حر عاملی، همان، ج ۴، باب ۶، ص ۲۳، ح ۱، ج ۲۵، کتاب الأطعمة و الأشربة، ابواب الأطعمة المحرمة، باب ۱۵، ص ۳۲۷، ح ۱۱). بنابراین، منظور از روایات مطلقه

کسانی هستند که نماز را به دلیل حلال دانستن ترک یا از باب استخفاف نسبت به تشریح نماز ترک کرده‌اند و کسی که به خاطر تبلی یا مشغله‌های دنیوی نمازش را ترک کند، کافر نیست.

۴. اگر ترک نماز را حلال نداند، کافر نیست

روایاتی در رابطه با حکم تارک الصلاة وجود دارد. امام صادق علیه السلام فرموده است:

مَنْ ارْتَكَبَ كَبِيرَةً مِنَ الْكِبَائِرِ فَرَعِمَ أَتَّهَا حَلَالٌ أَخْرَجَهُ ذَلِكَ مِنَ الْإِسْلَامِ وَعُدُّبَ أَشَدَّ الْعَذَابِ وَإِنْ كَانَ مُعْتَرِفًا أَنَّهُ ذَنْبٌ وَمَاتَ عَلَيْهِ أَخْرَجَهُ مِنَ الْإِيمَانِ وَلَمْ يُخْرِجْهُ مِنَ الْإِسْلَامِ وَكَانَ عَذَابُهُ أَهْوَنَ مِنْ عَذَابِ الْأَوَّلِ (تبریزی، جواد، تنقیح مبانی العروة الطهارة)، ج ۳، ص ۲۹۲.

این روایت حاکی از آن است که اگر تارک الصلاة نماز را ترک کند و ترک نماز را حلال بداند، از دین خارج است و کافر است، ولی اگر ترک نماز را حلال نداند، کافر نیست.

۵. بررسی حکم سبک شمردن نماز

کسی که نماز را سبک می‌شمارد و نسبت به آن استخفاف دارد، اگر نماز را ترک کند و این ترک ناشی از استخفاف تشریح نماز باشد، یعنی مکلف به شارع خرده بگیرد که چرا نماز واجب شده و اهمیت آن را انکار کند، مستخف نماز از دین خارج می‌شود و حکم کافر بر او بار می‌شود. همان‌گونه که انکار وجوب نماز موجب انکار ضروری دین و خروج از اسلام می‌شود، استخفاف نسبت به نماز نیز به کفر منجر می‌شود (وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۲۶، باب ۶، ح ۱۱، ط آل البيت).

مسعدة بن صدقه از امام صادق علیه السلام پرسیده شد که چرا زانی کافر شمرده نمی‌شود اما تارک الصلاة کافر شمرده می‌شود؟ امام علیه السلام پاسخ داد:

"لأن الزانی وما أشبهه إنما يفعل ذلك لمكان الشهوة، لأنها تغلبه، و تارك الصلاة لا یتركها إلا استهزاء بها (الكافی، ط دار الحدیث، ج ۳، ص ۴۰۶).

مسعدة بن صدقه بیان می‌کند که زانی عملش را به خاطر لذت انجام می‌دهد، اما کسی که نماز را ترک می‌کند، هدفش لذت نیست بلکه استخفاف نسبت به نماز است و این استخفاف موجب کفر می‌شود.

۶. اشکال سند روایت و دیدگاه علما

برخی اشکال کرده‌اند که سند روایت مسعدة بن صدقه مشکل دارد، اما آیت‌الله بروجردی رحمته و آیت‌الله شبیری زنجانی معتقدند که مسعدة بن صدقه همان مسعدة بن زیاد است و توثیق نجاشی برای مسعدة بن زیاد شامل او نیز می‌شود (درس خارج فقه، حضرت آیت‌الله حسینی بوشهری (دامت برکاته)، ۱۴۰۳/۶/۲۵. درس خارج فقه استاد سید کاظم مصطفوی، ۱۴۰۰/۱۰/۰۷). آیت‌الله تبریزی نیز معتقد است که چون مسعدة بن صدقه کثیر الروایة و معاریف بوده و هیچ قدح و تضعیفی بر او وارد نشده، وثاقت او استفاده می‌شود (تبریزی، همان، ص ۲۹۲).

۷. استخفاف بر اساس باور و عمل دو نوع استخفاف وجود دارد: استخفاف بر اساس باور و اعتقاد استخفاف در مقام عمل

اگر شخص نماز را ترک کند اما وجوب و تشریح نماز را باور داشته باشد، تنها استخفاف عملی داشته و مرتکب معصیت شده، ولی از اسلام خارج نمی‌شود. روایت صحیح زراره نقل می‌کند که امام باقر علیه السلام فرموده است:

"لَا تَتَهَاوَنُ بِصَلَاتِكَ فَإِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ عِنْدَ مَوْتِهِ: لَيْسَ مِنِّي مَنِ اسْتَخَفَّ بِصَلَاتِهِ... (حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۱۲۴).

همچنین، از حدیث ابی بصیر نقل شده است که شفاعت اهل بیت علیهم السلام به کسی که نماز را سبک بشمارد، نمی‌رسد (همان، ج ۴، ص ۲۳).

۸. مصادیق سبک شمردن نماز

سبک شمردن نماز دارای مراتب و مصادیق مختلف است: تأخیر نماز بدون عذر: امام صادق علیه السلام فرموده است که بی‌اعتنایی به نماز، تأخیر آن از اول وقت بدون عذر است (یوسفیان و الهامی، اخلاق اسلامی، ۱۳۷۶ ش، ج ۱، ص ۵۳). خواندن نماز با شتاب و عجله: نبی اکرم صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: «دزدترین مردم کسی است که از نماز خود کم کند» کوتاهی در رکوع و سجود: کسی که رکوع و سجود نماز را کامل انجام ندهد، مانند این است که نماز نخوانده است بی‌توجهی و کسالت:

قرآن کریم وصف کرده منافقان هنگام نماز با کسالت برخیزند عدم یادگیری معانی و محتوای نماز: توجه نداشتن به مضامین نماز نیز نوعی استخفاف است

۹. پیامدهای سبک شمردن نماز

محرومیت از شفاعت: امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: "إِنَّهُ لَا يَنَالُ شَفَاعَتَنَا مَنْ اسْتَخَفَّ بِالصَّلَاةِ مَحْشُورٌ شَدْنٌ بِطَاغُوتِيَانِ: پیامبر صلی الله علیه و آله فرموده‌اند: کسی که نماز خود را تباه سازد با قارون و هامان محشور می‌شود گرفتار شدن به گناهان کبیره: ترک نماز باعث جرأت شیطان در گناهان بزرگ می‌شود

نفرین و لعنت نماز: نماز سبک‌انگار، به صورت ملکی به انسان بازمی‌گردد و از دعا و برکت محروم می‌شود

بازتاب قرآنی: قرآن کریم تارکین نماز را به سقر منتهی می‌داند و غافلان نماز را مورد نکوهش قرار می‌دهد (نساء (۴)، آیه ۱۴۲. ماعون/سوره ۱۰۷، آیه ۴۵. مؤمنون/سوره ۲۳، آیه ۱. مریم/سوره ۱۹، آیه ۵۹).

نتیجه

مطالعات فقهی و روایی نشان می‌دهد که مسئله کفر تارک الصلاة نیازمند بررسی دقیق در مفاد روایات و جایگاه نماز در شریعت است. وجوه متعددی برای توجیه روایات مربوط به کفر تارک الصلاة وجود دارد:

مبالغه در شأن و منزلت نماز: برخی روایات به دلیل عظمت و جایگاه نماز، به صورت مطلق از اصطلاح «کافر» استفاده کرده‌اند تا اهمیت نماز برای مردم روشن شود و بی‌مبالاتی در آن کاهش یابد. بنابراین، ترک نماز به خاطر تنبلی یا مشغله‌های دنیوی، کفر تلقی نمی‌شود ترک نماز از گناهان کبیره محسوب می‌شود و روایات مطلقه مربوط به کفر تارک الصلاة، ممکن است به مواردی اشاره داشته باشند که ترک نماز مکرر و شدید باشد تقیید روایات مطلقه با روایات مقیده: روایاتی که کفر تارک الصلاة را مطلق بیان کرده‌اند، با روایات مقیده مانند صحیحہ عبدالله بن سنان و موثقہ مسعدة بن صدقه تقیید می‌شوند. بر

این اساس، کسی که نماز را ترک کند ولی ترک آن را حلال نداند یا از باب استخفاف اعتقادی نباشد، کافر محسوب نمی‌شود

کسی که نماز را از باب استخفاف نسبت به تشریح ترک کند، از اسلام خارج می‌شود و حکم کافر بر او بار می‌شود. اگر استخفاف تنها در مقام عمل باشد، فرد مرتکب گناه کبیره شده ولی از اسلام خارج نمی‌شود و تنها از شفاعت اهل بیت علیهم‌السلام محروم می‌شود

سبک شمردن نماز شامل تأخیر، عجله، بی‌توجهی، کسالت و عدم یادگیری معانی نماز است و پیامدهای مهمی مانند محرومیت از شفاعت، گرفتار شدن به گناهان کبیره، محشور شدن با طاغوتیان و محرومیت از برکات نماز دارد

در مجموع، اهمیت نماز در اسلام بسیار بالاست و ترک آن به دلایل اعتقادی و استخفاف نسبت به تشریح، پیامدهای جدی دینی و اجتماعی دارد. با این حال، ترک نماز به دلیل تبلی یا مشغله‌های دنیوی، گرچه گناه کبیره محسوب می‌شود، کفرآور نیست و فرد همچنان در دایره اسلام قرار دارد. این تمایز میان ترک نماز به دلیل استخفاف اعتقادی و ترک آن به دلیل استخفاف عملی یا دلایل دنیوی، یکی از مهم‌ترین دستاوردهای فقهی و روایی در تحلیل حکم تارک الصلاة است.

کتابنامه

- اصفهان‌نی، راغب حسین بن محمد، مفردات قرآن، ترجمه غلامرضا خسروی، تهران: مرتضوی، ۱۳۷۴ ش، چاپ دوم.
- ابن فهد حلی، عدة الداعی و نجاح الساعی، قم: دارالکتاب اسلامی، ۱۴۰۷ ق.
- بحرانی، آل عصفور، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ایران، چاپ اول، ۱۴۰۵ ه ق.
- تبریزی، جواد، صراط النجاة، قم: دار الصدیقة الشهیده، چاپ اول، ۱۴۲۷ ق.
- خمینی، روح‌الله، سر الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸.
- _____، شرح جهل حدیث، ص. ۴۲۷-۴۲۸، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸ ش.
- _____، آداب الصلاة، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۸ ش.
- _____، دانشنامه امام خمینی، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۰۰ ش.
- حسینی بوشهری، سید هاشم، درس خارج فقه، ۱۴۰۳/۶/۲۵ ش.
- خویی، سید ابوالقاسم، صراط النجاة (محشی)، قم: مکتب نشر المنتخب، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.
- شهیدی، محمدتقی، کتاب الصلوة / بررسی معنی استخفاف در نماز / تعداد نمازهای واجب، پایگاه اطلاع‌رسانی، تاریخ انتشار: ۱۳ شهریور ۱۳۹۵ ش، تاریخ بازدید: ۱۹ مهر ۱۴۰۳ ش.
- صدوق، محمد بن علی، ثواب الأعمال و عقاب الأعمال، بی‌تا.
- طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران: کتاب‌فروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.
- طیب حسینی، سید محمود و مریم جولایی، «مفهوم‌شناسی استخفاف و اضاعه نماز و تهاون نسبت به آن»، در مجله مطالعات فقه معاصر، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۶ ش.
- عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة، قم: مؤسسه آل‌البیت، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

- عیون أخبار الرضا عليه السلام، نشر جهان، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (ط - بیروت)، ۱۱۱ جلد، دار إحياء التراث العربی، بیروت، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
- مطهری، مرتضی، آشنایی با قرآن، ج. ۱۰، تهران: صدرا، چاپ هجدهم، ۱۴۰۲ ش / ۱۴۴۵ ق.
- نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام، دار إحياء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ هفتم، ۱۴۰۴ ه ق.
- نراقی، احمد بن محمد مهدی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، بی تا.
- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.
- یزدی، سید محمد کاظم طباطبایی، العروة الوثقی (المحشی)، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم، ایران، چاپ اول، ۱۴۱۹ ه ق.
- یوسفیان، نعمت الله و علی اصغر الهامی، اخلاق اسلامی، اداره آموزش های عقیدتی سیاسی نمایندگی ولی فقیه سپاه، قم، چاپ اول، ۱۳۷۶ ش.